

بسم ... الرحمن الرحيم

## فریادی به بلندای قداست طبابت

دکتر محمداسماعیل اکبری، استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

این روزها بعضی افراد، گروه ها و ساختارهای حقوقی بصورت یک حرکتی معنی دار و دسته جمعی ساختار سلامت کشور را با چنگ زنی به چهره محوری ترین گروه این ساختار یعنی پزشکان هدف گرفته اند و به سرمایه های فردی و اجتماعی تعرض کرده و پایه های حاکمیتی و حکومتی و خدمتی این ساختار را خدشه دار کرده اند.

متأسفانه بزرگترین محمل این هجمه ها رسانه ملی شده است ؛ رسانه ای که به فرمایش امام عظیم الشان(س) باید دانشگاه عمومی باشد و همه میدانیم که دانشگاه سرمایه ساز است نه سرمایه سوز .

آقایی که قاعدتاً باید از سیاستگذاران ملی باشد (والبته شرط اول سیاستگذاری علم است و دلسوزی و اعتقاد و عمل) می گوید: ما سر چهارراهی برای پزشکان "صندوق اعانه" می گذاریم ، دیگری می گوید باید پزشکان متخلف مالی را "شلاق" زد؛ سومی آنها را با متخصصین محترم سایر رشته ها مقایسه می کند و دیگری برای قوه محترم قضائیه خط مشی تعیین می کند ، که چرا روزانه این گروه سراسر خطاکار را به دست مجازات و زندان... نمی سپارد!

بحدی این گفته ها گسترده بود و کسی هم مردانه برای دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی و ساختارهای حکومتی آن وارد میدان نشد تا واقعیت ها را بیشتر و بهتر تبیین کند، برایم تکلیف شد تا فریادی عمومی و معنایی را سردهم، حتی اگر کسی نشنود، شاید مرحمی باشد برای دل های سوخته ای که در اتاق عمل ها، بیمارستان ها ، اورژانس ها، درمانگاهها، بخش های سرطان و سوختگی و اطفال و ... جمع می شوند و گله می کنند.

معمولاً هجمه های صنفی چند مبنا دارد:

الف) مبنای امنیتی

ب) مبنای اعتقادی

ج) مبنای حقوقی

د) مبنای شخصی و دق دلی

ه) مبنای ابراز وجود و تظاهر به حضور

و) سایر

اما قاعده‌تاً باید در هر مبنایی "مردم" محور اصلی بحث باشند و یقین داشته باشیم که این کلام ما سودرسان مردم است .

علم ابدان در کنار علم ادیان از سرمایه های اجتماعی است ( Social Capital ) و آنها که با کلام معصومین سلام ... علیهم اجمعین آشنا هستند می دانند که ساختار اجتماعی شکل نمی گیرد مگر با "حاکم خوب" و "طیب دلسوز"؛ یعنی طبابت از چهار چوب های ضروری یک جامعه است و اگر کسی بخواهد به این معنی هجمه کند باید دلیل بزرگتر از این ضرورت را در اختیار داشته باشد؛ واقعاً گویندگان این الفاظ سخیف و هزینه هایی که از جیب مردم برای تخریب این نهاد حاکمیتی صرف می شود کدام یک چنین دلیلی داشته اند؟ شاید آنها بیشتر بر مبانی "د" و "ه" که در بالا ذکر کردم سخن گفته اند.

"... امیدواریم ان شاءالله جامعه ی پزشکی و تشکیلات جدید نظام پزشکی بتوانند آنچه انچه که شایسته ی این حرفه ی مقدس و پاکیزه و شایسته ی مردم است ، آینده خودشان و آینده ی کشور را تنظیم کنند .

مسئله ی سلامت در همه ی جوامع و از جمله در جامعه ی ما ، مسئله ی درجه ی یک است ؛ یعنی اگر مثلاً در جامعه دو سه مسئله در درجه ی اول قرار داشته باشد ، یکی از اینها بلاشک مسئله ی سلامت است . سلامت فقط با دستور و بخشنامه و کار سازمانی و اداری حاصل نمیشود؛ یک انگیزه ی درونی لازم است ، یک مهربانی طبیبانه لازم است تا بتواند مسئله سلامت را حل کند ... اما در همه ی مسائل کلان جامعه از جمله در این

مسئله (سلامت) ، نقش نیروی انسانی و انگیزه ی انسانی و عواطف انسانی یک نقش بی بدیلی است؛ یعنی هیچ چیزی جای آن را نمیگیرد .

ما در باب سلامت و تنظیم سلامت جامعه دو طرف قضیه را داریم : یک طرف مردمند ، یک طرف جامعه ی پزشکی است؛ هر کدام حقوقی دارند . حالا جنابعالی (رئیس محترم سازمان نظام پزشکی) اشاره می کنید که ما حقوق مردم را مقدم میداریم بر حقوق صنفی و حرفه ای ؛ خیلی خب ، این یک بزرگواری است ؛ اما واقع قضیه این است که حقوق حرفه ای و صنفی پزشک هم باید در درجه ی اول مورد توجه قرار بگیرد . جامعه ی نظام پزشکی آن مجموعه است که این حلقه ی وصل را به وجود می آورد ؛ یعنی از طرفی رعایت حال مردم و تنظیم وضعیت پزشکی کشور به نحوی که مردم بتوانند به آرزوهای خودشان در مسئله ی سلامت دست پیدا کنند ، از طرفی هم پزشک ، مقدس [باشد] ؛ من روی تعبیر مقدس تکیه دارم ، یک تقدسی ، قداستی در پزشک باید وجود داشته باشد؛ کمالینکه در سنتهای ایرانی و اسلامی ما همین معنا وجود دارد ؛ یک قداستی و یک طهارتی در پزشک بایستی احساس بشود تا آن اطمینانی که مردم دارند ، حاصل بشود و به نظر من اگر مجموعه ی شما طبق همین بیاناتی که گفتید برنامه ریزی کند و از لحاظ کارهای فکری و فرهنگی و نرم افزاری تلاش بکند، این عملی است؛ این در دسترس است .

خب ،حالا امروز که نگاه می کنیم در تربیونهای عمومی مکرر گفته می شود زیر میزی ،رومیزی و مانند اینها ،به نظر من خیلی نباید این حرفها را دامن زد، نباید این قدر (درشت کرد) بله، وجود دارد؛ همه جا تخلف وجود دارد ،در همه صنفها ،در همه ی لباسها ،در همه ی مجموعه ها افراد متخلفی هستند ،اما نباید با درشت کردن این تخلفها آن اعتمادی را که مردم به پزشک پیدا می کنند ،از دست داد ... نمونه ها از این قبیل زیاد است کسانی از پزشکان که واقعا مثل یک فرشته عمل کردند و جا دارد که همین جور باشد ؛چون بیمار خودش را می سپرد دست یک انسانی؛ شما چه پزشک عمومی باشید چه متخصص باشید چه جراح باشید چه هر بخشی از بخشهای پزشکی ،آن کسی که به شما مراجعه می کند در واقع دارد خودش را از این جهت به شما می سپرد و اختیار خودش را به دست شما می دهد؛ بایستی شما آنچنان که شایسته ی این اعتماد و اطمینان و خود واگذاری است

رفتار کنید؛ آن وقت خواهید دید که تأثیر آن در ذهن مردم و در دل مردم می ماند. عادات طبیعی مردم ما این است - همه ی انسانها این جورند تقریباً- قضایای جزئی را تعمیم میدهند به مسائل کلی؛ یعنی یک موردی، یک چیزی را می بینند این را تعمیم می دهند. وقتی که از یک پزشک رفتار انسانی و مهربانانه، مهربانی طبیبانه را مشاهده کردند، به طور طبیعی نسبت به جامعه پزشکی یک تکریمی در دلها به وجود می آورد و همین تکریم مهم است؛ ما به این احتیاج داریم؛ یعنی برای اینکه سلامت جامعه تامین بشود، ما احتیاج داریم به اینکه مردم به پزشک اعتماد کنند، احترام کنند، او را تکریم کنند، او را تقدیس کنند.

بنابراین هم حقوق مردم را باید رعایت کرد، هم حقوق پزشک را. و من بارها گفته ام که رنج بیماری رنج بزرگی است ما باید کاری بکنیم که بیش از رنج بیماری چیزی بر بیمار و بیماردار تحمیل نشود. هم مخارج او را کم کنیم تا آنجا که ممکن است، هم بالاتر از مسئله ی مخارج، مسئله مهربانی ها و مانند اینهاست. البته امروز من احساس میکنم خوشبختانه در کشورنگاه مسئولان به مقوله سلامت، نگاه واقعی و جدی است؛ یعنی واقعاً دلسوزانه در این مسئله کار می کنند."

چند خط فوق را بنده و یا طبیب دیگری نگفته است که برای دفاع از صنفش بیان کرده باشد و یا بخواهد چند قرانی بیشتر آبرو برای خودش فراهم کند؛ بلکه این بخشی از بیان دلسوزانه حاکم عالمی است که برای متدینین فرمانش مطاع، برای مجریان سیاستگذار و راهبر و برای مردم چراغ راه است.

این بیانات از مقام معظم رهبری است که الحمداً... تیزبینانه امور اجتماعی را زیر نظر دارند و با احساس خطر آنرا به مردم و مسئولین منتقل می کنند. اما بسیار تاسف آور است که درست بعد از این بیانات، آن آقا از آن جای مهم و این آقا از این جای پائین و البته همه و همه با پول مردم در رسانه ملی حاضر می شوند و شلاق های بی آبرویی را بر یک ستون حاکمیتی وارد می کنند؛ تامل در این معنا بسیار ضروری است.

بنده استاد تمام رشته جراحی که قاعدتاً باید از پول سازترین رشته ها باشد هستم که بیش از سی و چند سال است در این کسوت خدمتگذار مردم می باشم و دستی نه چندان دور هم بر مدیریت امور اجتماعی مردم داشته و دارم.

خداوند توفیق نصیب کرده است که در کنار پنج استاد معظم دیگر رشته جراحی یکی از مهمترین بخش های جراحی کشور را اداره کنیم و علاوه بر خدمت هایی که بعضاً منحصر به فرد است، آموزش ها و پژوهش هایی در سطوح مختلف و تا تربیت فوق تخصصی به کشور ارائه دهیم. این روزها آنها هم دل شکسته و غمگین از این رفتارهای نابردانه و گاهی ناجوانمردانه بعضی سیاست زدگان و مطرودین بودند. میزان حقوقی که هر کدام از ما از یکی از بزرگترین دانشگاههای کشور می گیریم با ارقامی که در رسانه بیان شد همخوانی ندارد و بسیار کمتر از آن چیزی است که برخی می گویند همچنین دیگر نوع کار و کیفیت کار و زمان کار را مورد بحث قرار نمی دهیم. نمی دانم کجایند آن دلسوختگان دروغین، آن وقتی که بنده و همکاران عزیزم با شنیدن درد دل های بیماران بعنوان "محرم راز"، روی خود را بر می گردانیم تا اشکمان حکایت ضعف مان برای بیمار نباشد و او بداند که پشتوانه محکمی برای خدمت به او هستیم و او به محل درستی برای گرفتن خدمت و بیان درد آمده است.

جمله حضرت آیت ا... خامنه ای که بر قداست پزشکی و قدیس بودن طبیب تاکید دارد یک واقعیت علمی و مدیریتی در سراسر جهان است، نه یک تعارف اجتماعی .

نگران هستم که نوشتن این سطور به معنای دفاع از مدیریت سلامت در کشور در حوزه وزارت بهداشت و یا سازمان نظام پزشکی تلقی شود که قطعاً از آن تبری می جویم؛ همچنین یقیناً نباید خطاکاران اجتماعی حوزه سلامت را از پاسخگویی به قانون معاف کرد؛ بلکه آنها بدلیل اینکه در جایگاه مهمتری و با عزت تری قرار گرفته اند باید مسئولیت بیشتری حس کنند و پاسخگویی بیشتری داشته باشند اما اگر آن خطاکاران همچنان به خطاهای خود ادامه دهند و مدیران اجتماعی حوزه سلامت هم ساکت و یا کم اثر باشند نباید دیگران این حق را برای خود قایل شوند که به یک ساختار سرمایه ای ملی هجمه غیر علمی و نامناسب انجام دهند.

مطمئن هستم و می توانیم با عدد و رقم اثبات کنیم که تمام بودجه ای که جامعه پزشکی در طول ۳۰ سال بعد از انقلاب به غلط از بودجه عمومی و یا جیب مردم دریافت کرده است به اعداد ابتدایی تخلفات روشنی که در حال حاضر در دادگاههای کشور در حال بحث و فحص است نمی رسد.

در ایران حدود ۰/۸۵ درصد (هشتاد و پنج صدم درصد - کمتر از ۱٪) از مردم به دلیل پرداخت ها به جامعه پزشکی به زیر خط فقر می روند که ۹۰٪ این علت مدیریتی است و ۱۰٪ آن می تواند خطای جامعه پزشکی باشد؛ حال آیا این رقم با عملکردهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی بسیاری از آنها که بعنوان دلسوزان عالم اجتماعی ظاهر می شوند مطابقت دارد؟

اخیراً مشاهده می شود که رسانه ملی برای جبران خطاهای مافات مصاحبه هایی ترتیب می دهد که از نگرانی های اجتماعی بکاهد و این کار اگر علمی و مستند انجام شود مقبول است اما چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟

از همه همکاران عزیزم چه آنها که شاداب و سرزنده تازه پای در رکاب این خدمت معنایی و مقدس گذاشته اند و چه آنهایی که موی سپید و دست لرزان دارند می خواهم که واقع بینانه به موضوع نگاه کنند؛ جمهوری اسلامی ایران عاقل و فهیم است و قطعاً دلسوز ما و مردم؛ پس نباید قضاوت نادرست و غیر مسئولانه عده ای را قضاوت این نظام مقدس به حساب آوریم البته ما هم باید تلاش کنیم، تلاشی عمیق تر و بزرگتر که ضمن ابراز آنچه به مردم ارائه می دهیم، از آنها که نام و حرمتمان را لوث می کنند دوری کنیم که خداوند از همه به ما نزدیک تر است.

**با احترام**

**محمد اسماعیل اکبری**